بیشتر که دارند و اگر دو نفر هلاک شوند در تلف آن ضمانی لازم آید و اگر در شب تلف آید ضمان لازم نیاید و این مسئله که گفتیم حکم کسانی
و ستانها است که آب را دیگر نباشد اما اگر کشت باشد آب در مجری باشد و مجرا در تصرف باشد آن بدهند و صاحب کشت باشد آب را کشورش
رها کرد و نسبت بهمان زمین لازم نیاید اگر چه چهارپای را در آب تلف آورده باشد و حالت هست که چهارپا را در جراگاه که در دو روی باشد
بی نگاه بان رها می کنند چون در حالت آن چهارپای از آن جراگاه بیرون رفته و غله آن را تلف کرده ضمان لازم نیاید
اما اگر جراگاه در میان ارض باشد یا نزدیک بود بی ارض و بعلوم است که بی نگاه بان رها کنند که تخم رها کند و چیزی از غله تلف کند ضمانی
لازم آید و اگر شخصی چهارپای خود را بستد و در آن موضع که آن چهارپا است و احتیاط کرد بر حدود آن در بانگ بود و یا چیزی
بیشتر و آن چهارپای در شب بیرون آمد و چیزی تلف آورد ضمان لازم نیاید و اگر صاحب چهارپا حاضر بود و توانست از آن چهارپا
آن غله بیرون کرد و نکرد ضمان بر صاحب چهارپا لازم نیاید و چون چهارپا را از غله خود بیرون کند باید که مبالغه نکند و بر چهارپا نزند بلکه اقتصار کند
بر زدن و حاجت و اگر بیارد که بر زدن حاجت ضمانی و گناهی آید و اگر از کشت خود بیرون کرد و در کشت دیگری کرد ضمان بر وی لازم آید و اگر کشت
وی را کرد بر کشت دیگری و از آن جا بیرون کرد چون بیرون رود و از آن موضع خود بیرون کرد ضمان بر وی لازم آید و اگر صاحب
چهارپا علف بجهت آن چهارپا از غله وی تلف آید بسیار و اگر شخصی چهارپا را در بیشه رها کرد تا علف کند و از صاحب
م آید و اگر چهارپای از دست وی بر صحرا تلف آورد ضمان بر وی لازم نیاید و اگر چهارپای در میان باغ رها کرد و چیزی و غایب شد از چهارپا
باغ تلف آورد ضمان بر وی لازم نباشد و اگر در راه بود بر راه شخصی دست یافت و موضع و کرد ضمان لازم آید بر وی و چهارپا فرج و اگر
شخصی گوسفند را رها کرد و آن گوسفند چیزی شکست و یا از دیوار بیرون کند آن را بر حد ضمان بر وی لازم نیاید و اگر چهارپای کسی را فرا آورد و یا بانگ بجهت
حق کسی بود باشد اما اگر مالک چهارپای باغ بود بود باشد یا کسی دیگر چهارپای باغ از نفس باغ تلف آورد ضمان آن بر آن کس که باغ بود است لازم
بود خواه و در تلف آمده باشد و خواه نشسته بود باشد و خواه بر نشسته و مالک باغ بود بود باشد خواه مستاجر یا مستعیر یا غاصب و اگر
خوک باغ بود باشد یکی را نشد یکی کشت بینی ضمان بر صاحب باشد و نیز بر وی و اگر یکی بر نشسته باشد و یکی بر اندازد یا بکشد ضمان بر آن کس باشد
که بر نشسته باشد و اگر یکی بر نشسته باشد و یکی بر اندازد و یکی بر اندازد چیزی تلف آورد ضمان بر آن کس که بر اندازد لازم
بود است و اگر چهارپای مستعیر که چهارپا را مستعیر بر نشسته و در بیابان در آید چیزی تلف آید ضمانی بر وی لازم آید و اگر چهارپای که در
راه باشد یا در آن کس که بر آن بسته باشد و چیزی بدان تلف آید ضمان لازم نیاید و اگر چهارپا را در بگذرد چیزی بر آن بسته و بر وی اندازد و اگر بر وی از حلقه
بر اندازد و یا بر او چیزی بدان رسانید که وی ضمان لازم آید و اگر آب و اندازد چیزی از اسباب چیزی بگیرد و مانند آن چیزی بیفتد و گرفته
شود اگر چهارپا جای دو اندازد ضمان لازم نیاید و اگر جای بود و اندازد ضمان لازم آید و اگر چهارپای بر دست آید
چیزی بود در بیابان بیفتد و چیزی بدان تلف آید آن بر وی و اگر در وقت آن بود و ضمانی لازم بود و اگر مرغی آن بر وی بود
چیزی بیفتد و در بیابان چهارپا را در بیابان یا چهارپای بیابان باشد ضمان لازم نیاید مگر وی نابینا بود باشد و ضمانت

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)